



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی  
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گوی  
صبا با ابوالفضل  
پورعرب، بازیگر  
پیشکسوت  
سینما

خیلی از

خسرو شکیبایی

آموختم

زهرچشم بگیرد. من زیاد سرکش نبودم، اما خاموش هم نبودم. تا جایی که شرایط اجازه می داد، می گذشتم، اما گاهی پیش می آمد که از اینکه جواب نداده ام، ناراحت شوم.

از پاریس آمده بودم و قرارداد سریال «امام حسن (ع)» را بسته بودم. آن موقع می خواستند مرا ممنوع الکار کنند. با سیروس الوند و فیلم «چهره» هم قرارداد داشتم. فخریه زاده مرا برای «امام حسن (ع)» کاندید کرد. «چهره» تمام شد و بسیاری از بازیگران ممنوع فعالیت شدند، ولی برای من موفق نشدند. حتی جایزه جشنواره بیونگ یانگ برای بازی در «عروس» ابتدا به من نرسید. بعد از پیگیری، لوح و تندیس را از کره برابم فرستادند، بدون جایزه نقدی.

**به عقیده شما چرا سینما سیر نزولی پیدا کرده و زانرهای مختلف کم رنگ شده اند؟**  
آن چه ما از پیشکسوت ها به ارث گرفتیم خوب تحویل دادیم اما نسل های بعد آن را پرورش ندادند. روابط بین آدم ها در حوزه فرهنگ و هنر تغییر کرد چون غیر متخصص هایی آمدند و دائم اضافه شدند. به واسطه رابطه و گاهی داشتن چشم آبی و گاهی پول، نمی گویم قبلاً نبود اتفاقاً قبلاً هم بود اما یکپهوی زیاد شد. الان به نظر من مردم از بی تقریحی و بدون داشتن ساعت خوش می روند سینما. توی فیلم ها هم که هیچ پیامی نیست و خیلی سطحی شده اند. مردم هر فیلمی که رقص دارد می بینند و احتمالاً می خواهند بگویند که مخالف این نگاه حاکم هستیم. خاطرات گذشته، خواننده های گذشته و... این ها کلی پر بیننده اند.

الان همه چیز تکراری شده؛ فیلم ها و سریال ها چهره های تکراری دارند، بازی ها تکراری شده و حتی سوزها هم مرتب تکرار می شوند.

**دلناتان برای سال هایی که روی پرده نبودید و نیستید تنگ نشده است؟**

خیلی تنگ شده است. البته یک جایی آرزو می کردم که یک هنر پیشه نقش اول شود و من دوم باشم تا این همه به من گیر ندهند. وقتی کم کم دیگری نقش اول شد، احساس آرامش کردم.

رسانه ها همیشه اذیت می کردند و حواشی زیاد بود. در یکی از فیلم ها، مثل «مرضیه»، نقش پلیس داشتم که مرا دستگیر می کرد، اما تیتیر رسانه ها این بود که «پورعرب دستگیر شد». این مردم آزاری بود. بارها این اتفاق تکرار شد؛ حتی می زدند که مرا در خانه گرفتند.

به خاطر آن شرایط، نه مهمانی می رفتم، نه عروسی، نه در انتظار عمومی ظاهر می شدم. جوان بودم و معاشرت را دوست داشتم، اما خودم را محروم کردم.

**و سخن پایانی؟**

صبا را دوست دارم؛ جزو رسانه هایی است که رک حرف می زند و یک خرده هم زیادی نمی ترسد. به همین دلیل از گفت و گو با شما استقبال کردم.

ابوالفضل پورعرب به شهادت تاریخ سینمای ایران اولین ستاره سینمای بعد از انقلاب است که با فیلم «عروس» (بهر روز افخمی) در زمانه ای که اینترنت و شبکه های اجتماعی وجود نداشت در میان تمام مردم ایران شناخته شده بود و می توان گفت یک سوپر استار به تمام معنا بود. اتفاقاً بعد از فیلم «عروس» و مطرح شدن او به عنوان جوان اول سینمای ایران در سال ۱۳۶۹ او با بازی در فیلم هایی چون نرگس (رخشان بنی اعتماد)، آواز تهران (کامران قدکچیان)، مردی شبیه باران (سعید سهیلی)، در کمال خونسردی، غریبانه، دست های آلوده و... جایگاه خود را در نقش های جدی و احساسی را هم تثبیت کرد. گفت و گو با پورعرب مروری بر سینمای ایران در دهه شصت، هفتاد و هشتاد است و حواشی بسیاری که آن روزگار بر سینمای ایران سایه انداخته بود.

بعد، فرصت بازی در «عروس» پیش آمد. بهروز افخمی برای من و نیکی کریمی خیلی تلاش کرد. نقش بسیار سختی بود؛ ما تجربه سینما نداشتیم و با لنزها آشنا نبودیم. من نتاثر را می شناختم و با یک بشکن مرکز ثقل را پیدا می کردم، اما در سینما اصطلاحات زیادی بود که کاملاً برابم تازه بود. افخمی صبورانه این مسائل و جنس بازی را به ما آموزش داد. بخش زیادی از مسیر بازیگری ام را مدیون او هستم و به او گفتیم که «من سر باز توام».

**و چقدر حواشی که این فیلم داشت؛ از فروش بسیار بالاتر از حمله ها و حمایت های چهره های اثر گذار...**

بله، من و نیکی کریمی هر کدام ۳۰ هزار تومان قرارداد بستیم که فیلم خیلی فروخت و عوامل فیلم دستمزدهای ما را تمدید کردند و به اصطلاح جایزه دادند. فیلم صحنه های بسیار سختی داشت. در زمان فیلمبرداری یک لوکیشن هایی بود که خیلی سختی داشت و تکرارش مکافات مضاعف، دیالوگ ها را می گفتی و بعد زاویه را عوض می کردند و این تکرار و تکرار خیلی دشوار بود. واقعیت این است که «عروس» هنوز هم تمام نشده است. هم توی ذهن مردم مانده و هم حواشی اش همچنان ادامه دارد. من جرمم این است که در «عروس» بازی کردم. توی هیچ دسته و گروهی نمی روم اما اذیت شدم. خیلی ها پشت سرم صحبت کردند حتی دوست های صمیمی خودم. خودشان شرایط حضور در فیلم را نداشتند اما می خواستند من هم بازی نکنم. خیلی ها هم حرف زدند از جمله شهید آوینی که از فیلم حمایت کرد. او چیزی گفت که به ذائقه خیلی ها خوش نیامد.

**پس از درخشش «عروس» صحبت از ممنوع فعالیت شدن شما هم مطرح شد؛ اتفاقی که در دهه هفتاد برای بسیاری رخ داد.**

بله، اما زورشان نرسید.

**چطور؟**

در بین مسئولان همیشه برخی بسیار شریف و برخی بیمار هستند. آن زمان هم شخصی بود که نمی خواهم اسمش را ببرم؛ جزو نوابغ بیماری بود و در وزارت فعالیت فعالیت می کرد. دوست داشت به قول خودش از «گردن کلفت ها»

**دهه شصت، سینمای ایران بیش از هر چیز درگیر جنگ بود، هر چند در همان سال ها آثار ارزشمندی هم تولید شد. دهه هفتاد اما را می توان دوره شکوفایی دوباره سینمای ایران نامید. شما به عنوان اولین ستاره سینمای پس از انقلاب شناخته می شوید. چطور شد که به فیلم «عروس» رسیدید؟**

در دهه شصت من فقط می خواندم و تجربه می کردم و واقعاً یک طلبه هنر بودم. دنبال یادگیری و مطالعه بودم. پیش از آن، سال ۵۹ نمایشنامه ای به نام «ماموریت حساس» روی صحنه بردم که بزرگان بسیاری از جمله محمود استاد محمد در آن حضور داشتند. بعد از آن کارمند تلویزیون شدم، سال های ۶۲ و ۶۳. در آن زمان چند برنامه تلویزیونی اجرایی کردم که سینما و نتاثر جهان را معرفی می کرد و بخشی هم شامل اجراهای نتاثر و گفتگو درباره سینما و نتاثر آن کشورها بود.

سال ۶۴ با آقای کاظم معصومی همکاری کردم؛ ابتدا در کاری به نام «نظاره بر شب» و سپس در فیلم سینمایی «دزد و نویسنده» که دستیار او بودم. آن زمان ارزش سینما آن قدر زیاد بود که تلویزیون را رها کردم و تمام تمرکز را روی سینما گذاشتم. بعد هم فرصتی پیش آمد تا در تالار وحدت در نمایشی با خسرو شکیبایی بازی کنم؛ نمایشی با عنوان «شکست غروب». تازه آنجا فهمیدم بازیگری واقعی یعنی چه و خیلی از آقای شکیبایی یاد گرفتم. باز هم تأکید می کنم که آن موقع هنوز طلبه سینما بودم و همین مسیر ادامه داشت تا اینکه فرصت بازی در فیلم «عروس» پیش آمد.

**چطور بازی در فیلم «عروس» پیش آمد فیلمی که تبدیل به نقطه عطف سینمای آن روزها شد؟**

باورم نمی شد برای نقش اول سینما دعوت شوم. آن زمان برای ایفای نقشی در فیلم «روز واقعه» هم از من دعوت شده بود و از این بابت بسیار خوشحال بودم. وقتی برای قرارداد رفتم، پرسیدم چه کسی قرار بود نقش را بازی کند. گفتند خسرو شجاع زاده، اما او به دلایلی نتوانست ادامه دهد. اخلاقاً احساس کردم باید با او صحبت کنم و اجازه بگیرم. هر دو کارمند تلویزیون بودیم، اما وقتی با او حرف زد، لحنش ناراحت بود، به همین دلیل از حضور در آن فیلم منصرف شدم.

